

من لای محضرہ الخطیب

جلد چہارم



تالیف :

حاج شیخ غلامرضا اسدی مقدم

من لایحضره الخطیب

نام کتاب	من لایحضره الخطیب (جلد چهارم)
مؤلف	حاج شیخ غلامرضا اسدی مقدم
ناشر	انتشارات سلسال
چاپخانه	محمد
تیراژ	۳۰۰۰ جلد
قطع و صفحات	وزیری / ۳۸۴ ص
نوبت چاپ	اول، بهار ۱۳۸۶
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۷۷۵۹-۲۹-۸

قیمت ۳۵۰۰ تومان

«کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است»

قم - پاساژ قدس - پلاک ۱۴۷ / تلفن ۷۷۴۴۸۹۴ - ۰۹۱۲۳۵۱۳۹۴۸

فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
-------	----

فصل اول: مقتل

آگاه شدن انبیاء از شهادت امام حسین علیه السلام	۳۵
حضرت آدم علیه السلام	۳۵
حضرت نوح علیه السلام	۳۷
حضرت ابراهیم	۳۹
حضرت اسماعیل علیه السلام	۴۲
حضرت موسی علیه السلام	۴۳
حضرت سلیمان علیه السلام	۴۳
حضرت عیسی علیه السلام	۴۴
حضرت زکریا علیه السلام	۴۵
اسماعیل صادق الوعد علیه السلام	۴۷
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله	۴۸
خبر کعب الاحبار به نقل از کتب گذشتگان	۶۳
خبر مشایخ عرب	۶۳
خبر سلیمان الاعمش	۶۴

- ۶۴ ----- خبر عبد الرحمن بن مسلم
 ۶۵ ----- خبر ابو عمرو الزاهد
 ۶۵ ----- خبر قس بن ساعده
 ۶۶ ----- خبر اشعث بن عثمان
 ۶۷ ----- عظمت یاران امام حسین علیه السلام
 ۷۸ ----- اصحاب حسین علیه السلام
 ۸۱ ----- سیاست اسلام
 ۸۴ ----- گونه‌ی مؤمن آل فرعون در کربلا
 ۸۶ ----- بشر بن عمرو
 ۸۷ ----- از بصره تا مکه
 ۸۹ ----- مباحله در صحرای کربلا
 ۹۱ ----- گذرنامه‌ی بهشت
 ۹۴ ----- بهشت وعده‌گاه ملاقات
 ۹۶ ----- سربازی که شهید نشد
 ۹۹ ----- دو شهید بعد از شهادت سیدالشهدا علیه السلام
 ۹۹ ----- سر مبارک دو شهید از بدن جدا نشد!
 ۱۰۰ ----- سه شهید و سه اسیر
 ۱۰۵ ----- حضرت علی اکبر علیه السلام
 ۱۰۷ ----- ماه بنی هاشم علیه السلام
 ۱۱۴ ----- علی، عباس و عمار!

- ۱۱۷ ----- کراماتی از حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام
- ۱۱۷ ----- حتی ارمنی
- ۱۱۹ ----- وصال مادر با فرزند
- ۱۲۱ ----- مجازات خائن
- ۱۲۲ ----- عاقبت دشمنانش ...!
- ۱۲۷ ----- لیل دیجور
- ۱۳۰ ----- وصف حضرت عباس علیه السلام از زبان ائمه
- ۱۳۳ ----- همیشه از دینم حمایت می‌کنم
- ۱۳۵ ----- عباس علیه السلام حامی دین است
- ۱۴۰ ----- نگاهی گذرا به شب و روز عاشورا
- ۱۴۸ ----- مقتل عظیم
- ۱۵۱ ----- بنی‌اسد
- ۱۵۴ ----- شور حسینی در عرفه

فصل دوم: مرثیه

- ۱۷۳ ----- ماتم آل علی علیه السلام در شرح واقعه‌ی کربلا
- ۱۷۳ ----- مصیبت سکه‌ی غم را به نام آل حیدر زد
- ۱۷۴ ----- حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام
- ۱۷۵ ----- حر بن یزید ریاحی
- ۱۷۷ ----- ماه بنی‌هاشم علیهم السلام

- ۱۷۷ ----- احتجاج ابو الفضل علیه السلام با آن قوم لجوج
- ۱۷۸ ----- روان شدن آن جناب به سوی شریعهی فرات
- ۱۷۹ ----- شهادت حضرت ابو الفضل علیه السلام
- ۱۸۰ ----- یا ابا الفضل العباس
- ۱۸۱ ----- وداع ابو الفضل علیه السلام با امام حسین علیه السلام
- ۱۸۳ ----- مرثیهی ابو الفضل علیه السلام
- ۱۸۹ ----- امام حسین علیه السلام
- ۱۹۰ ----- از مدینه به کربلا
- ۱۹۱ ----- زمین کربلا دریای خون است
- ۱۹۱ ----- دیر راهب
- ۱۹۲ ----- مسلم گچکار
- ۱۹۳ ----- چه مصفاست خاک کربلا
- ۱۹۴ ----- امام زمان علیه السلام
- ۱۹۴ ----- تا سما می رود از روی دل آرای تو نور
- ۱۹۵ ----- دلسوختهام ای شه نبود به مکانت ره
- ۱۹۶ ----- امام زاده زیدین علی علیه السلام

فصل سوم: از هر باغی گلی

- ۲۰۱ ----- پیشگفتار
- ۲۰۳ ----- درد دل های امیرالمؤمنین علیه السلام در فراق حضرت زهرا سلام الله علیها

۲۱۳	اولوا الامر میزان سنجش
۲۱۳	اولوا الامر چه کسانی هستند؟
۲۱۶	تشرف به محضر امام زمان علیه السلام
۲۲۰	میزان سنجش حق از باطل
۲۲۱	سؤالات ارمنی
۲۲۵	دو حسین مظلوم
۲۲۵	اعتراف بیگانگان به عظمت و بزرگواری امام حسین بن علی علیه السلام
۲۲۷	حسین بن علی از نوادگان امام حسن بن علی علیه السلام
۲۳۲	امام زمان علیه السلام در آینده روایات
۲۳۲	امام زمان علیه السلام در آینده روایات
۲۳۸	پول‌هایتان رسید!
۲۴۰	ما بی صاحب نیستیم
۲۴۰	در هجران یار
۲۴۴	بی‌کمران دریای رأفت
۲۵۱	تشرفی عجیب
۲۵۳	تولی
۲۵۳	طریقه‌ی استغفار
۲۵۹	سخن گفتن سلمان فارسی با اموات
۲۷۱	تضمین اشعار حافظ
۲۸۱	آخرین ستاره‌ی آسمان امامت و ولایت

- ۲۸۱ - - - - - ابتدای امامت
- ۲۸۳ - - - - - القاب مهدی موعود علیه السلام
- ۲۸۷ - - - - - علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۲۸۹ - - - - - سنجش امام زمان علیه السلام با افراد عادی
- ۲۹۱ - - - - - غفلت از امام زمان - عجل الله تعالی فرجه -
- ۲۹۲ - - - - - ولایت مطلقه‌ی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه -
- ۲۹۵ - - - - - برنامه های عملی حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه -
- ۲۹۷ - - - - - وظایف شیعیان در زمان غیبت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه -
- ۳۰۰ - - - - - جمله‌ای از خصائص حضرت صاحب الزمان - عجل الله تعالی فرجه -
- ۳۰۳ - - - - - شیفتگان امام حسین علیه السلام
- ۳۰۳ - - - - - فرجام عاشقی
- ۳۲۵ - - - - - سلاح نظامی امام عصر علیه السلام
- ۳۳۲ - - - - - امام زمان علیه السلام در تضمین غزلیات حافظ
- ۳۴۰ - - - - - حق الناس
- ۳۴۰ - - - - - زخمی بر سینه‌ی سید
- ۳۴۳ - - - - - سید هاشم خطاب کیست؟
- ۳۴۶ - - - - - امام زمان علیه السلام در آینه‌ی تشرفات
- ۳۴۷ - - - - - نجات مرد سنی
- ۳۴۹ - - - - - حمایت از زوار حضرت اباعبد الله الحسین علیه السلام
- ۳۵۳ - - - - - طریقه‌ی حل مشکلات

- ۳۵۷ ----- سرانجام اهانت به اهل البيت عليهم السلام
- ۳۵۸ ----- عاقبت توهين به امير المؤمنين عليه السلام
- ۳۶۰ ----- فرجام نابود کنندگان درخت بادم
- ۳۶۲ ----- تنبيه يکي از اولياء الله به دست امام زمان عليه السلام
- ۳۶۴ ----- منابع
- ۳۷۳ ----- اجازات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن على اعدائهم
اجمعين سيما الجبت و الطاغوت.

عَنْ النَّبِيِّ ﷺ:

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ

(ارزش) اعمال منوط به نیت است.

اگر نیت خالص باشد و قصد قربت به خدا در آن وجود داشته باشد، آن عمل
بر ارزش می شود و مقام صاحبش را بالا می برد.

یکی از بزرگمردانی که نیت پاک او و عمل مقدسش که از آن نیت پاک نشأت گرفته و
نام مقدسش در طومار اخیار روزگار به ثبت رسیده است، حضرت ابوالفضل العباس، ماه
بنی هاشم علیه السلام است که حضرت صادق آل محمد علیهم السلام می فرماید:

چون اراده نمایی که زیارت کنی قبر عباس بن علی علیهما السلام را، و آن بر کنار
فرات مُحاذی حائر است، بر در روضه می ایستی و می گویی:

سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمَقَرَّرِينَ وَ أَتْيَانِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ
الشُّهَدَاءِ وَ الصَّدِيقِينَ وَ الزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تُعْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّضَدِيقِ وَ الْوَقَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ ص الْمُرْسَلِ وَ السَّبْطِ

الْمُنْتَجِبِ وَالذَّكِيَّ الْعَالِمَ وَالْوَصِيَّ الْمُبْلَغَ وَالْمَظْلُومَ الْمُهْتَظَمَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَ
 احْتَسَبْتَ وَأَعْتَتْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَحَفَّ
 بِحُرْمَتِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَ بَيْتَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفَرَاتِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ
 لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ جِئْتُكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَيْدَا إِلَيْكُمْ وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَائِبٌ وَأَنَا لَكُمْ
 تَائِبٌ وَنُصْرِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ
 إِثْنِي بِكُمْ وَبِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتْلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُمْ
 بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ^۱.

معنای این زیارت چنین است:

دروود پروردگار و درود فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و بندگان صالح پروردگار و
 درود تمام شهدا و صدیقین و پاکیزه ترین تحیات صبحگاهان و شامگاهان، به روان پاکت، ای
 پسر امیرالمؤمنین. گواهی می‌دهم که تو در راه حق تسلیم شدی و حقایق را تصدیق کردی و
 وفاداری و دلسوزی نمودی در راه یاری فرزند زاده‌ی پیامبر اسلام ﷺ که (به عنوان جانشین
 او از سوی خدای عالمیان) انتخاب شده است و آن امام زمانی که دلیل اهل عالم است و آن
 بزرگواری که وصی (پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسن علیهم السلام) است. آن بزرگواری که
 در راه دین سعی و کوشش خود را به حد اعلی رسانیدی. پس خداوند تو را جزای خیر
 مرحمت کند از طرف پیغمبر و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهم السلام بهترین جزا بخاطر
 صبر و استقامت عجیب و به خاطر کمک از فرمانده لشکر حق، فرمانده صحرای کربلا، پس
 نیکو مقامی است مقام عالم آخرت. نفرین پروردگار بر آنان که تو را کشتند و لعنت حق بر

۱- مفاتیح الجنان، در زیارت حضرت عباس علیهما السلام

آنان که حق تو را نشناختند و حرمت تو را سبک شمردند و لعنت پروردگار بر کسانی که حائل شدند بین تو و آب فرات! شهادت می‌دهم که تو مظلوم کشته شدی و خدای متعال به زودی وعده‌های خود را به شما خانواده‌ی پاک عمل می‌کند. بر در خانه‌ات آمدم ای پسر امیرالمؤمنین! من زائر شما هستم، از روی حقیقت. من تسلیم، تسلیم فرمان شما و از سنت حسنه‌ی شما تبعیت می‌کنم و در هر حال فرمانبردار امر شما می‌باشم و آماده‌ی یاری و کمک شما. تا خدای حکیم حکم خود را اجرا کند زیرا او خیرالحاکمین است. پس با شما هستم نه با دشمنان شما. من معتقدم به عالم رجعت من معتقدم در عالم رجعت (با برادرت سیدالشهداء علیه السلام) به دنیا باز خواهی گردید و من از کشتندگان و مخالفین شما بیزارم. خداوند بکشد آنان را که کشتند شما را با دست‌ها و زبان‌ها.

ملاك عمل در هر عبادتی و هر عملی نیت است لذا وقتی حالات شهدای کربلا را بررسی نمایم مشاهده می‌کنیم که سیدالشهداء علیه السلام در شب عاشورا آنان را به نحوی توصیف فرموده است که عقلاء متحیرند؛ این افراد پاک چه نیت خالصی داشته‌اند که امام حسین علیه السلام آن‌ها را به این عظمت مدح می‌کند!

عباس بن علی علیه السلام در روز عاشورا، در رجزهای آتشین خود عقاید حق‌ی خود را چنین بیان کرده است:

وَاللّٰهُ اِنْ قَطَعْتُمْ يَمِيْنِيْ
اِنِّيْ اُحَامِيْ اَبَدًا عَنْ دِيْنِيْ

قسم به ذات پروردگار، اگر چه دست راست مرا قطع کردید من در هر حال از دین و آیین و شرف خود حمایت می‌کنم.

منظور از دین اسلام است، زیرا قرآن می‌فرماید:

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ^۱

همانا دین (پذیرفته شده) در نزد خداوند فقط اسلام است.

هر کس دینی جز دین اسلام را برگزیند خداوند قبول نمی‌کند به جهت این که تشریع دین امری نیست که مردم بتوانند درست کنند، بلکه به دست خدا است. لذا به حکم این آیهی شریفه:

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۲

هر کس بجز اسلام دینی اختیار کند از او قبول نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

پس هر کس دین خود را از قرآن و سنت پیامبر اسلام و اهل بیت طاهرین او فرا گیرد اگر کوه‌های عالم از جای بجنبند و نابود شوند، در عقاید او خللی ایجاد نخواهد شد و هر کس عقیده‌ی خود را از افرادِ نااهل فراگیرد به هلاکت می‌رسد و کیفر اعمالش را خواهد دید،^۳ زیرا تمام ادیان عالم محکوم به بطلان هستند.

ماه بنی‌هاشم در صحرای کربلا در رجز پر شورش اعلام کرد که من از دین خود حمایت می‌کنم، هر چند دست مرا قطع کنید. من از اصول دین و فروع دین و فرهنگ مقدس پیامبر اسلام و اهل بیتش -علیهم السلام- دفاع می‌کنم.

دین مورد حمایت عباس (علیه السلام) مبتنی بر پنج اصل اعتقادی است. توحید، عدالت، نبوت،

امامت، معاد.

۱- آل عمران، ۱۹

۲- آل عمران، ۸۵

۳- مقدمه اصول کافی

همچنین مبتنی بر پنج رکن عملی است که عبارتند از: نماز، روزه، زکات، حج و ولایت.^۱

معاد از اصول اعتقادی دین عباس علیه السلام است که در زمان حاضر کمتر انسانی به آن می‌اندیشد. شب و روز تاخت و تاز دارند که امر دنیای خود را با تدبیر خود تنظیم کنند و حال این که مدبر جهان خداست و امر دنیا را او تنظیم کرده است. اصول کافی حدیثی از معصوم نقل می‌کند که فرمود: روزی شما را عادل تقسیم کرده است و به وعده‌ی خود وفا می‌کند، آنچه تقسیم نشده علم است و شما را دستور داده که تحصیل کنید. علم را باید از اهلش یاد بگیرید.^۲

معاد، از جمله مسائلی است که غبار غربت آن را فرا گرفته و همه از آن غافلیم! همه‌ی اهل دنیا از قیامت و محشر غافل‌اند! با این که ربع آیات قرآن یعنی حدود ۱۵۰۰ آیه مربوط

۱- کافی، ۱۸/۲ باب دعائم الإسلام: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الطَّيِّفِيِّ قَالَ:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَنْدَأْ بَشِيءٌ كَمَا بُدِيَ بِالْوَلَايَةِ
اسلام بر پنج رکن بنا نهاده شده است، بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و از هیچ يك (از چهار مورد اول) آنگونه که از ولایت سؤال می‌شود، سؤال نمی‌شود.

۲- کافی، ۳۰/۱: باب فرض العلم و وجوب طلبه عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّيِّدِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ:

أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَّا يُدْرِكَ طَلَبُ الْعِلْمِ أَوْ حُجُبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ أَسْأَلِ إِنْ
أَسْأَلُ مَسْئُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ فَلَا قِسْمَةَ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَصِئْنَةٌ لَكُمْ وَالْعِلْمُ مَعْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ وَقَدْ أَمَرْتُمْ
بِطَلَبِهِ مِنْ أَهْلِهِ فَاطْلُبُوهُ.

ای مردم بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل به آن است. آگاه باشید که طلب علم بر شما واجب‌تر است از طلب مال، همانا مال قسمت شده و برای شما ضمانت گردیده است. به درستی که تقسیم‌کننده‌ای عادل آن را بین شما تقسیم نموده و ضمانت کرده است. ولی علم در نزد اهلش معزون است و شما امر شده‌اید که آن را از اهلش بخواهید. پس طالب آن باشید.

به عالم آینده است. خوب است که در مناجاتهای امام زین العابدین علیه السلام دقت کنیم. آنجا که می فرماید:

إِلَهِی الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ إِلَيَّ جَهَنَّمُ مَحْشَرِي إِلَهِی الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي
 إِنْ كَانَ فِي النَّارِ مَجْلِسِي إِلَهِی الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الزُّقُومُ فِيهَا طَعَامِي
 إِلَهِی الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الْحَمِيمُ فِيهَا شَرَابِي إِلَهِی الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي
 إِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ وَالْكَفَّارُ فِيهَا أَقْرَانِي إِلَهِی الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ أَنَا قَدِمْتُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ
 سَاخِطٌ عَلَيَّ فَمَنْ ذَا الَّذِي يُرْخِيكَ عَنِّي لَيْسَ لِي حَسَنَةٌ سَبَقَتْ لِي فِي طَاعَتِكَ أَرْفَعُ بِهَا إِلَيْكَ
 رَأْسِي أَوْ يَنْطِقُ بِهَا لِسَانِي لَيْسَ لِي إِلَّا الرَّجَاءُ مِنْكَ فَقَدْ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ عَفْوُكَ
 عَفْوُكَ فَإِلَيْكَ قُلْتُ فِي كِتَابِكَ الْمُتَوَكِّلُ عَلَيَّ نَبِيُّكَ الْمُرْسَلُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ آلِهِ وَسَلَامُكَ
 نَبِيَّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْعَفْوُ الرَّحِيمُ وَأَنْ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْإِلِيمُ صَدَقْتَ يَا سَيِّدِي
 لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا جِلْمُكَ وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ
 أَنْضَرَعُ إِلَيْكَ يَا رَبَّ تَضَرَّعُ الْمُذْنِبِ الْحَقِيرِ وَأَذْعُوكَ دُعَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ وَأَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ
 الْمِسْكِينِ الضَّرِيرِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآمِنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَعَافِنِي مِنَ النَّارِ إِلَهِی
 مَنْ عَلَيَّ بِإِحْسَانِكَ الَّذِي فِيهِ الْغَنَاءُ عَنِ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ وَ الْأَعْدَاءِ وَ الْإِخْوَانِ وَ الْحِقْنِي بِالَّذِينَ
 غَمَرَتْهُمْ سَعَةُ رَحْمَتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ أَطْيَاباً أَبْرَاراً أَتْقِيَاءَ وَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ آلِهِ
 حَيْرَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مَعَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ وَ الْإِخْوَةِ وَ الْأَخَوَاتِ
 وَ الْحَفَنَاتِ وَ إِيَّاهُمْ بِأَنْبَرَارٍ وَ أَبْنَاءٍ وَ إِيَّاهُمْ جَنَّتَاكَ مَعَ الثُّجَبَاءِ الْأَخْيَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي وَ جَمِيعَ إِخْوَانِي بِكَ مُؤْمِنِينَ وَ عَلَيَّ الرِّسَالَةَ ثَابِتِينَ وَ لِقَائُكَ مُؤَدِّينَ وَ
 عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ مُحَافِظِينَ وَ لِلزَّكَاةِ فَاعِلِينَ وَ لِمَرْضَاتِكَ مُتَقِينَ وَ لِلْإِحْسَانِ مُخْلِصِينَ وَ لَكَ
 ذَاكِرِينَ وَ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيَّ آلِهِ مُتَّبِعِينَ وَ مِنْ عَذَابِكَ مُشْفِقِينَ وَ مِنْ عَذَابِكَ

خَائِفِينَ وَ لِفَضْلِكَ رَاجِينَ وَ مِنَ الْفَرْعِ الْكَبِيرِ آمِينَ وَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَتَكَّرِينَ وَ
 مِنَ الذُّكُوبِ وَ الْخَطَايَا ثَائِبِينَ وَ عَنِ الرِّيَاءِ وَ السُّمُوعَةِ مُنْزِهِينَ وَ مِنَ الشُّرْكِ وَ الزَّيْغِ وَ الْكُفْرِ وَ
 الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ مَغْضُومِينَ وَ بَرَزِقَكَ قَانِعِينَ وَ لِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ وَ مِنَ النَّارِ هَارِبِينَ
 وَ مِنَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ مَرْزُوقِينَ وَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَاقِفِينَ وَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُصَلِّينَ وَ
 لِأَهْلِ الْإِيمَانِ نَاصِحِينَ وَ لِلْإِخْوَانِ فِيكَ مُسْتَغْفِرِينَ وَ عِنْدَ مُعَايَنَةِ الْمَوْتِ مُسْتَبْشِرِينَ وَ فِي وَحْشَةِ
 الْقَبْرِ فَرِحِينَ وَ بِلِقَاءِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ مَسْرُورِينَ وَ عِنْدَ مَسْأَلَتِهِمْ بِالصَّوَابِ مُجِيبِينَ وَ فِي الدُّنْيَا
 زَاهِدِينَ وَ فِي الْآخِرَةِ رَاضِينَ وَ لِلْجَنَّةِ طَالِبِينَ وَ لِلْفِرْدَوْسِ وَارِثِينَ وَ مِنْ تِيَابِ السُّنْدُسِ وَ
 الْإِسْتَبْرَقِ لَابِسِينَ وَ عَلَيَّ الْأَرَائِكِ مُتَكِّيْنَ وَ بِالتَّيْجَانِ الْمُكَلَّلَةِ بِالْذُرِّ وَ الْيَوَاقِيتِ وَ الزُّبُرْجَدِ
 مُتَوَّحِينَ وَ لِلْوِلْدَانِ الْمُخْلَدِينَ مُسْتَخْلِمِينَ وَ بِأَكْوَابِ وَ أَبَارِيقِ وَ كَأْسِ مِنْ مَعِينِ شَارِبِينَ وَ مِنَ
 الْحُورِ الْعِينِ مُزَوَّجِينَ وَ فِي تَعِيمِ الْجَنَّةِ مَقِيمِينَ وَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ خَالِدِينَ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ
 وَ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ
 الْأَمْوَاتِ وَ التَّبَاعِ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ

و دقت در فرازهای پرمحتوای دعای مجیر، بیدار کننده‌ی دل‌های غافلین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿۱﴾ سُبْحَانَكَ يَا اللَّهُ تَعَالَيْتَ يَا رَحْمَانُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿۲﴾ سُبْحَانَكَ يَا رَحِيمُ
 تَعَالَيْتَ يَا كَرِيمُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿۳﴾ سُبْحَانَكَ يَا مَلِكُ تَعَالَيْتَ يَا مَالِكُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ
 يَا مُجِيرُ ﴿۴﴾ سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ تَعَالَيْتَ يَا سَلَامُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿۵﴾ سُبْحَانَكَ يَا
 مُؤْمِنُ تَعَالَيْتَ يَا مَهْمِئِمُنْ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿۶﴾ سُبْحَانَكَ يَا غَزِيرُ تَعَالَيْتَ يَا جَبَّارُ أَجْرَتَا
 مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿۷﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُتَكَبِّرُ تَعَالَيْتَ يَا مُتَجَبِّرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿۸﴾

سُبْحَانَكَ يَا خَالِقُ تَعَالَيْتَ يَا بَارِئُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُصَوِّرُ تَعَالَيْتَ يَا
مُقَدِّرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا هَادِي تَعَالَيْتَ يَا بَاقِي أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
﴿١١﴾ سُبْحَانَكَ يَا وَهَّابُ تَعَالَيْتَ يَا تَوَّابُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا فَتَّاحُ
تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَّاحُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدِي تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَايُ أَجْرَتَا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَرِيبُ تَعَالَيْتَ يَا رَقِيبُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٥﴾
سُبْحَانَكَ يَا مُبْدِئُ تَعَالَيْتَ يَا مُعِيدُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا حَمِيدُ تَعَالَيْتَ يَا
مَجِيدُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَدِيمُ تَعَالَيْتَ يَا عَظِيمُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
﴿١٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿١٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا شَهِيدُ
تَعَالَيْتَ يَا شَهِيدُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا حَنَّانُ تَعَالَيْتَ يَا مَنَّانُ أَجْرَتَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢١﴾ سُبْحَانَكَ يَا بَاعِثُ تَعَالَيْتَ يَا وَارِثُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٢﴾
سُبْحَانَكَ يَا مُحْيِي تَعَالَيْتَ يَا مُمِيتُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا شَفِيقُ تَعَالَيْتَ
يَا رَفِيقُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا أُنِيسُ تَعَالَيْتَ يَا مُؤْنِسُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٢٥﴾ سُبْحَانَكَ يَا جَلِيلُ تَعَالَيْتَ يَا جَمِيلُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا
خَبِيرُ تَعَالَيْتَ يَا بَصِيرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا حَفِيُ تَعَالَيْتَ يَا مَلِيُ أَجْرَتَا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا مَعْبُودُ تَعَالَيْتَ يَا مَوْجُودُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٢٩﴾
سُبْحَانَكَ يَا غَفَّارُ تَعَالَيْتَ يَا قَهَّارُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا مَذْكُورُ تَعَالَيْتَ
يَا مَشْكُورُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣١﴾ سُبْحَانَكَ يَا جَوَّادُ تَعَالَيْتَ يَا مَعَاذُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٣٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا جَمَّالُ تَعَالَيْتَ يَا جَلالُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا
سَابِقُ تَعَالَيْتَ يَا رَازِقُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا صَادِقُ تَعَالَيْتَ يَا فَالِقُ أَجْرَتَا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٥﴾ سُبْحَانَكَ يَا سَمِيعُ تَعَالَيْتَ يَا سَرِيعُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٦﴾

سُبْحَانَكَ يَا رَفِيعُ تَعَالَيْتَ يَا بَدِيعُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَعَالُ تَعَالَيْتَ يَا
مُتَعَالُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٣٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَاضِي تَعَالَيْتَ يَا رَاضِي أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٣٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَاهِرُ تَعَالَيْتَ يَا طَاهِرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا
عَالِمُ تَعَالَيْتَ يَا حَاكِمُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤١﴾ سُبْحَانَكَ يَا دَائِمُ تَعَالَيْتَ يَا قَائِمُ أَجْرَتَا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا غَاصِمُ تَعَالَيْتَ يَا قَاسِمُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٣﴾
سُبْحَانَكَ يَا غَنِيُّ تَعَالَيْتَ يَا مُغْنِي أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا وَفِيُّ تَعَالَيْتَ يَا
قَوِيُّ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٥﴾ سُبْحَانَكَ يَا كَافِي تَعَالَيْتَ يَا شَافِي أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٤٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُقَدِّمُ تَعَالَيْتَ يَا مُؤَخَّرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا أَوَّلُ
تَعَالَيْتَ يَا آخِرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا ظَاهِرُ تَعَالَيْتَ يَا بَاطِنُ أَجْرَتَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٤٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا رَجَاءُ تَعَالَيْتَ يَا مُرْتَجِي أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٠﴾
سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْمَنِّ تَعَالَيْتَ يَا ذَا الطُّوْلِ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥١﴾ سُبْحَانَكَ يَا حَيُّ تَعَالَيْتَ
يَا قَيُّوْمُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا وَاحِدُ تَعَالَيْتَ يَا أَحَدُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٥٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا سَيِّدُ تَعَالَيْتَ يَا صَمَدُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَدِيرُ
تَعَالَيْتَ يَا كَبِيرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٥﴾ سُبْحَانَكَ يَا وَالِي تَعَالَيْتَ يَا مُتَعَالِي أَجْرَتَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا عَلِيُّ تَعَالَيْتَ يَا أَعْلَى أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٧﴾
سُبْحَانَكَ يَا وَلِيُّ تَعَالَيْتَ يَا مَوْلَى أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا ذَارِي تَعَالَيْتَ يَا
بَارِي أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٥٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا خَافِضُ تَعَالَيْتَ يَا رَافِعُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٦٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُقْسِطُ تَعَالَيْتَ يَا جَامِعُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦١﴾ سُبْحَانَكَ يَا
مُعِزُّ تَعَالَيْتَ يَا مُذِلُّ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا حَافِظُ تَعَالَيْتَ يَا حَافِظُ
أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَادِرُ تَعَالَيْتَ يَا مُقْتَدِرُ أَجْرَتَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ

﴿٦٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا عَلِيمُ تَعَالَيْتَ يَا حَلِيمُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٥﴾ سُبْحَانَكَ يَا حَكَمُ
تَعَالَيْتَ يَا حَكِيمُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُنْطَى تَعَالَيْتَ يَا مَانِعُ أَجْرْنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا ضَارُّ تَعَالَيْتَ يَا نَافِعُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٨﴾ سُبْحَانَكَ
يَا مُجِيبُ تَعَالَيْتَ يَا حَسِيبُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٦٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا عَادِلُ تَعَالَيْتَ يَا فَاصِلُ
أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا لَطِيفُ تَعَالَيْتَ يَا شَرِيفُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
﴿٧١﴾ سُبْحَانَكَ يَا رَبُّ تَعَالَيْتَ يَا حَقُّ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٢﴾ سُبْحَانَكَ يَا مَاجِدُ
تَعَالَيْتَ يَا وَاحِدُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا عَفُوُّ تَعَالَيْتَ يَا مُنْتَقِمُ أَجْرْنَا مِنَ
النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا وَاسِعُ تَعَالَيْتَ يَا مُوسِعُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٥﴾
سُبْحَانَكَ يَا رَعُوفُ تَعَالَيْتَ يَا عَطُوفُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا قَرُّ تَعَالَيْتَ يَا
وَثَرُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُقِيتُ تَعَالَيْتَ يَا مُحِيطُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٧٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا وَكِيلُ تَعَالَيْتَ يَا عَدْلُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٧٩﴾ سُبْحَانَكَ يَا
مُبِينُ تَعَالَيْتَ يَا مَتِينُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٠﴾ سُبْحَانَكَ يَا بَرُّ تَعَالَيْتَ يَا وَدُودُ أَجْرْنَا
مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَكَ يَا رَشِيدُ تَعَالَيْتَ يَا مُرْشِدُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٢﴾
سُبْحَانَكَ يَا نُورُ تَعَالَيْتَ يَا مُنَوِّرُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٣﴾ سُبْحَانَكَ يَا نَصِيرُ تَعَالَيْتَ يَا
نَاصِرُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٤﴾ سُبْحَانَكَ يَا صَبُورُ تَعَالَيْتَ يَا صَابِرُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا
مُجِيرُ ﴿٨٥﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُخْصِي تَعَالَيْتَ يَا مُنْشِئُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٦﴾ سُبْحَانَكَ يَا
سُبْحَانَكَ تَعَالَيْتَ يَا دَيَّانُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٧﴾ سُبْحَانَكَ يَا مُبِيتُ تَعَالَيْتَ يَا غِيَاثُ
أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ ﴿٨٨﴾ سُبْحَانَكَ يَا فَاطِرُ تَعَالَيْتَ يَا حَاضِرُ أَجْرْنَا مِنَ النَّارِ يَا مُجِيرُ
سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْعِزِّ وَالْجَمَالِ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَبَرُوتِ وَالْجَلَالِ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِيَّيْكَ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَّى

اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدُنَا مُحَمَّدٌ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

سزاوار است که ترجمه‌ی آن را نیز بنگاریم:

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

- ۱- منزهی تو ای خدا، برتری ای رحمان، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه دهنده
- ۲- منزهی تو ای مهربان، برتری ای کریم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳- منزهی تو ای ملک، برتری ای مالک، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴- منزهی تو ای قدوس، برتری ای سلام، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵- منزهی تو ای مؤمن، برتری ای مهیمن، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶- منزهی تو ای عزیز، برتری ای جبار، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه دهنده
- ۷- منزهی تو ای متکبر، برتری ای متجبر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸- منزهی تو ای خالق، برتری ای باری، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۹- منزهی تو ای مصور، برتری ای مقدر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۰- منزهی تو ای هادی، برتری ای باقی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۱- منزهی تو ای وهاب، برتری ای توّاب، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۲- منزهی تو ای فتاح، برتری ای مرتاح، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۳- منزهی تو ای آقام، برتری ای مولایم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۴- منزهی تو ای قریب، برتری ای رقیب، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۵- منزهی تو ای مبدئ، برتری ای معید، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده

- ۱۶- مزهی تو ای حمید، برتری تو ای مجید، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۷- مزهی تو ای قدیم، برتری ای عظیم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۸- مزهی تو ای غفور، برتری ای شکور، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۱۹- مزهی تو ای شاهد، برتری ای شهید، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۰- مزهی تو ای حنان، برتری ای منان، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۱- مزهی تو ای باعث، برتری ای وارث، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۲- مزهی تو ای مُحیی، برتری ای ممیت، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۳- مزهی تو ای شفیق، برتری ای رفیق، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۴- مزهی تو ای انیس، برتری ای مونس، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۵- مزهی تو ای جلیل، برتری ای جمیل، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۶- مزهی تو ای خبیر، برتری ای بصیر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۷- مزهی تو ای حفی، برتری ای ملی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۸- مزهی تو ای معبود، برتری ای موجود، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۲۹- مزهی تو ای غفار، برتری ای قهار، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۰- مزهی تو ای مذکور، برتری ای مشکور، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۱- مزهی تو ای جواد، برتری ای معاذ، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۲- مزهی تو ای جمال، برتری ای جلال، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۳- مزهی تو ای سابق، برتری ای رازق، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۴- مزهی تو ای صادق، برتری ای فالح، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۵- مزهی تو ای سمیع، برتری ای سریع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده

- ۳۶- منزهی تو ای رفیع، برتری ای بدیع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۷- منزهی تو ای فعال، برتری ای متعال، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۸- منزهی تو ای قاضی، برتری ای راضی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۳۹- منزهی تو ای قاهر، برتری ای طاهر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۰- منزهی تو ای عالم، برتری ای حاکم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۱- منزهی تو ای دائم، برتری ای قائم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۲- منزهی تو ای عاصم، برتری ای قاسم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۳- منزهی تو ای غنی، برتری ای مغنی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۴- منزهی تو ای وفی، برتری ای قوی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۵- منزهی تو ای کافی، برتری ای شافی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۶- منزهی تو ای مقدم، برتری ای مؤخر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۷- منزهی تو ای اول، برتری ای آخر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۸- منزهی تو ای ظاهر، برتری ای باطن، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۴۹- منزهی تو ای رجاء، برتری ای مرتجی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۰- منزهی تو ای صاحب من، برتری ای صاحب احسان، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده

پناه‌دهنده

- ۵۱- منزهی تو ای حی، برتری ای قیوم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۲- منزهی تو ای واحد، برتری ای احد، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۳- منزهی تو ای سید، برتری ای صمد، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۴- منزهی تو ای قدیر، برتری ای کبیر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده

- ۵۵- مزهی تو ای والی، برتری ای متعالی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۶- مزهی تو ای علی، برتری ای اعلی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۷- مزهی تو ای ولی، برتری ای مولی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۸- مزهی تو ای ذاری، برتری ای باری، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۵۹- مزهی تو ای خافض، برتری ای رافع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۰- مزهی تو ای مقسط، برتری ای جامع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۱- مزهی تو ای معز، برتری ای مذل، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۲- مزهی تو ای حافظ، برتری ای حفیظ، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۳- مزهی تو ای قادر، برتری ای مقتدر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۴- مزهی تو ای علیم، برتری ای حلیم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۵- مزهی تو ای حاکم، برتری ای حکیم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۶- مزهی تو ای معطی، برتری ای مانع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۷- مزهی تو ای ضار، برتری ای نافع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۸- مزهی تو ای مجیب، برتری ای حسیب، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۶۹- مزهی تو ای عادل، برتری ای فاضل، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۰- مزهی تو ای لطیف، برتری ای شریف، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۱- مزهی تو ای ربّ، برتری ای حق، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۲- مزهی تو ای ماجد، برتری ای واحد، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۳- مزهی تو ای عفو، برتری ای منتقم، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۴- مزهی تو ای واسع، برتری ای موسع، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده

- ۷۵- منزهی تو ای رؤف، برتری ای عطوف، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۶- منزهی تو ای فرد، برتری ای وتر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۷- منزهی تو ای مقیت، برتری ای محیط، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۸- منزهی تو ای وکیل، برتری ای عدل، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۷۹- منزهی تو ای مبین، برتری ای متین، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۰- منزهی تو ای پر، برتری ای ودود، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۱- منزهی تو ای رشید، برتری ای مرشد، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۲- منزهی تو ای نور، برتری ای منور، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۳- منزهی تو ای نصیر، برتری ای ناصر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۴- منزهی تو ای صبور، برتری ای صابر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۵- منزهی ای محصی، برتری ای منشی، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۶- منزهی تو ای سبحان، برتری ای دیان، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۷- منزهی تو ای مغیث، برتری ای غیاث، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده
- ۸۸- منزهی تو ای فاطر، برتری ای حاضر، پناه ده ما را از آتش دوزخ ای پناه‌دهنده

منزهی تو ای صاحب عزت و جمال، با برکتی ای صاحب جبروت و جلال، «منزهی

تو، نیست معبودی جز تو، منزهی تو، به راستی من از ستمکارانم پس اجابتش کردیم و نجاتش دادیم از غم و همچنان اهل ایمان را نجات می‌دهیم» و رحمت خدا بر آقای ما محمد و بر تمام اهل بیت او باد و ستایش مختص خداست که پروردگار عالمیان است و خدا ما را کفایت است چه خوب کار پردازی است و هیچ توانایی و قدرتی جز به خدای بلند مرتبه‌ی بزرگ نخواهد بود. (پایان ترجمه‌ی دعای مجیر)

خداوند متعال از ابتدای آفرینش وقوع دو امر مهم را که صورت می‌پذیرد اعلام فرموده و چنین خواسته و مقدر نموده است که آن‌ها در عرصه عالم به وقوع پیوندند. بدیهی است که هیچ یک از افراد از نظر منطق و عقل نمی‌توانند آن‌ها را از امور بشری و انسانی بدانند و حق دخالت در آن‌ها ندارند آن‌ها عبارتند از: «واقعه‌ی کربلا» و «ظهور حضرت مهدی (عج)»

در این رابطه افرادی مستکبر و خودکامه و خودخواه، خواسته‌اند کارهای ناموزون و حرکات برخاسته از مغزها و اندیشه‌های فاسد خود را بر این دو امر منطبق نمایند و آن را موازی قیام عاشورا نشان دهند. آن‌ها باید بدانند که در روز واپسین خوراکِ تهمت‌زنندگان به مؤمنان طینت خیال است^۱، چه رسد به این که کسی بر امام معصوم (عج) تهمت زند و یا برای حضرات معصومین تکلیف معین نماید! غافل از آنکه از گفتار و کردار آنان چند صباحی بیشتر نخواهد گذشت که افکار و اندیشه‌های آنان که مخالف راه و روش پیامبران و ائمه معصومین - علیهم السلام - می‌باشد، رسوایی به بار می‌آورد و اکنون در این کتاب شریف آیاتی از قرآن کریم و اخباری از اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - که دلالت‌کننده بر تحقق آن موضوع است ذکر می‌کنیم.

۱- الکافی، ۲ / ۳۵۷: باب النبیة و الهیة: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عج) قَالَ:

مَنْ نَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا نَسَبَ فِيهِ بَقَعَهُ اللَّهُ فِي طِينَةِ خِيَالٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا قَالَ قُلْتُ: وَمَا طِينَةُ الْخِيَالِ قَالَ صَدِيدٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمَوَسَاتِ